هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قران کریم

سرمقاله

انتقال مسئوولیت امنیتی
از نیروهای خارجی
به نیروهای افغان

ص۲

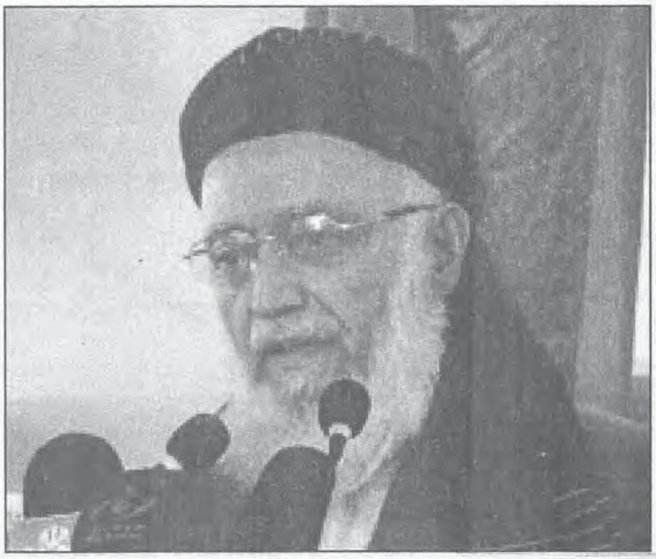
تاریخچهٔ جمعیت اسلامی افغانستان
درک درست واقعیت ها

ص۲

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ هفدهم ۸ اسد ۱۳۹۰ ۲۸ شعبان المعظم ۱۴۳۲ - 30 July 2011

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در سمینار علمی- تحقیق منطقوی، «استقلال و آزادی، محصول شهادت و ایثار»:

آزادی هدیهٔ الهی و حق طبیعی هر انسان است



- **موضوع آزادی در اسلام یک حق طبیعی و موهبت الهی است، که باید هر انسان آزاد زندگی کند، عبودیت در هر شکلی، در فرهنگ دینی ما محکوم است.**
- **فقر و محرومیت و وابستگی اقتصادی باعث بدبختی ها و از دست دادن تمام دستاوردهای سیاسی می گردد.**
- **بازار آزاد مقدس نیست. اصلاً مصالح، منافع و حیات مردم مقدس است.**
- **در دیگر کشورهای اسلامی به خاطر ماه مبارک رمضان نرخ ها کنترل و به افتخار این ماه پایین می آید، اما در افغانستان نه تنها کنترل نمی شود بلکه، نرخ ها بلند می رود. دولت باید جلو این کار را بگیرد و یک اقتصاد مختلط را به میان بیاورد. مشکل شهروندان را نادیده نگیریم در غیرآن، مشکلات زیاد و زیادتر شده می رود.**
- **حوادث ناگواری که در کشور صلحدوست ناروی توسط یک مسیحی افراطی رخ داد، یک جنایت بسیار خطرناک صورت گرفت. درحالی که این جنایت را تقبیح می کنم. اظهارات رئیس جمهور امریکا را تأیید می نمایم که گفته است، مردم بفهمند تروریزم به ادیان ارتباط ندارد.**

ص۳

قرارداد استراتژیک
یا
اعلامیهٔ استراتژیک

ص۶



منوچهری
پیرو
شاعران عرب

ص۴



روژه
د صبر او
خواخوږۍ پیغام

۷مخ

ستر جنرال عطامحمد نور والی بلخ در مراسم انتقال مسؤولیت امنیتی شهر مزارشریف به نیروهای افغان:

ما به خاطر عزت و شرف مردم خود و دفاع از زن، مرد، و کودک بیگناه کشور با متانت و پایداری تام رزمیده و خواهیم رزمید



ما بلخیان منحیث افغان های واقعی و وارثان راستین نیاکان آزادهٔ خویش، با تمام نیرو از وجب وجب خاک میهن، از تمامیت ارضی، استقلال و وحدت ملی مان و از صلح، امنیت و عزت زن و مرد این سرزمین قاطعانه دفاع می کنیم. ما در حالی که از جامعهٔ جهانی و دوستان بین المللی به ویژه ایالات متحدهٔ امریکا، آلمان و دیگران به خاطر کمک های ارزشمند شان مخصوصاً در عرصهٔ امنیت عمیقاً سپاسگزار هستیم، به خوبی درک می نماییم که گذاشتن بار مسؤولیت های امنیتی و نظامی کشورما بردوش آنها، برای همیشه، کاری معقول و سودمند نیست.

ص۵

«مجاهد» حلول ماه مبارک رمضان، ماه تقوی و طهارت را به ملت مسلمان کشور و مسلمانان جهان مبارکباد می گوید

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ /۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

انتقال مسئوولیت امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای کشور

در ۵ میزان سال ۱۳۷۵ هجری خورشیدی طالبان شهر کابل را اشغال نمودند، بعد از پنج سال حاکمیت، با رویداد ۱۱ سپتمبر که توجهٔ جامعهٔ جهانی برضد تروریزم معطوف شد، در اثر مبارزه ومقاومت مردم افغانستان و کمک نیروهای ناتو، سرانجام در ماه عقرب سال ۱۳۸۰، حکومت طالبان از هم پاشید.

براساس موافقتنامهٔ بُن در آلمان (۵ دسمبر ۲۰۰۱)، حکومت انتقالی جهت مدیریت و امنیت کشور تشکیل شد. از آنجایی که مشکل اصلی مسئلهٔ تأمین امنیت بود، در ضمیمهٔ شماره یک موافقتنامهٔ بُن از شورای امنیت سازمان ملل متحد تقاضا بعمل آمده بود که تا تشکیل و آغاز به کار نیروهای امنیتی افغانستان و این که قادر باشند تا کنترول امنیت را به عهده گیرند، شورای امنیت سازمان ملل متحد جهت تأمین امنیت شهر کابل و نواحی اطراف آن قوت هایی را اعزام کند تا دولت انتقالی به وظایفش رسیدگی نماید.

در پی این تقاضا شورای امنیت سازمان ملل متحد به تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی با صدور قطعنامهٔ ۱۳۸۶، اعزام نیروهای چند ملیتی را اعلام نمود. براین اساس این قطعنامه، ایساف به کمک ۱۸ کشور تحت فرماندهی بریتانیا شکل گرفت و وارد افغانستان شدند که به مرور زمان کشورهای دیگری نیز به این روند پیوستند. رهبری قوت های خارجی را یکی پی دیگر به عهده گرفتند. اما ناامنی در کشور علاوه از این که کاهش نیافت بلکه روز تا روز بیشتر شد و هر روز تروریزم از مردم بی دفاع و بی گناه ما قربانی می گیرد و مردم است که بار سنگین ناامنی را به دوش می کشند و صدمه می بینند.

با وجود نا امنی ها درکشور، در ۱۹ نومبر ۲۰۱۰ میلادی کنفرانسی در شهر لیسبون پرتگال دایر شدکه هدفش واگذاری مسوولیت تأمین امنیت سراسری افغانستان به نیروهای امنیتی کشور تا سال ۲۰۱۴ بود.

بر اساس فیصله نشست لیسبون، قرار است تا سال ۲۰۱۴ نیروهای خارجی به تدریج کشور ما را ترک نمایند. حکومت تأکید بر این دارد که یگانه راه واگذاری مسوولیت تأمین امنیت در کشور، آموزش و اکمال نیروهای امنیتی کشور می باشد.

در پی فیصلهٔ لیسبون و تأکید آقای کرزی، قرار بر این شد تا در مرحلهٔ نخست، مسؤولیت تأمین امنیت هفت منطقهٔ کشور (بامیان، مزارشریف، هرات، پنجشیر، شهر لشکرگاه، مرکز هلمند و کابل غیر از ولسوالی سروبی) از نیروهای خارجی به نیروهای داخلی واگذار گردد. تابه کنون به جزء شهرکابل مناطق متذکره در طی دو هفتهٔ گذشته به صورت رسمی انتقال امنیت صورت گرفت. اما مناطق یاد شده از امنیت خوبی برخوردار بودندکه نیروهای پی،آر، تی، در آن مناطق مستقر بود که به کارهای بازسازی می پرداختند. عطا محمد نور والی بلخ از چهره های مشهور جهاد ومقاومت و از والیان کارآ در سطح کشور، در سخنرانی اش در مراسم انتقال مسؤولیت به نیروهای داخلی در شهر مزارشریف، آمادگی اش را در این زمینه نشان داده گفت«من با صدای رسا به دشمنان خطاب می کنم که، ما در یک صف آهنین با قامت بر افراشته، شجاعانه و جاودانه چون کوه استوار، در برابر شما ایستاده ایم و خواهیم ایستاد. ما به خاطر عزت و شرف مردم خود و دفاع از زن، مرد، و کودک بیگناه کشور که از ریختاندن خون های پاک آنها وحشیانه لذت می برید با متانت و پایداری تام رزمیده و خواهیم رزمید.

همچنان والی بلخ با اظهار تأسف گفت: « من متأسفم که امروز مسؤولیت های امنیتی به ما ص۷

قسمت نهم

تاریخچه جمعیت اسلامی افغانستان

درک درست واقعیت ها

خاطراتی از محمد نسیم فقیری

از گریهٔ عبدالمنان کاکا حکایه شد و مطالب درست و تاریخ سازی را که مولوی حبیب الرحمن به والیان لغمان و ننگرهار گفته بود..

درست که مردم از عملیات مسلحانهٔ جمعیت اسلامی، اطلاع نداشتند و گمان می کردند، ایادی پاکستان و یا دزدان مسلح در تاریکی شب، چنین عملی را مرتکب شده اند . به مردم از قبل اطلاع و معلومات واقعی به دلیل وجود فضای اختناق و سرکوب داده نشده بود. مردم به صورت وسیع در دستگیری برادران با دولت همکاری کردند...

نه تنها مردم، بلکه حکومت و پولیس نیز واقعیت ها را بعداً درک کردند و دلایل و اسناد واقعی مولوی صاحب در مورد رژیم داوود خان و محاصرهٔ آن توسط پرچمی ها و خلقی ها باعث شناخت تقریباً درست قیام مسلحانه گردید. اما سوال ها در مورد این قیام و چگونگی آن، سال ها میان برادران موجود بود و ما طوری که به مولوی صاحب در منزل خود گفته بودیم همیشه این سوال را داشتیم که تعهداتی صورت گرفته بود و بالاخره چه کار شد؟

سوال می کردیم که به تعداد حد اقل ۲۵ نفر از استادان پوهنتون، استادان مکاتب و محصیلین سال های چهارم ، سوم و... پوهنتون ها و فارغان صنف دوازدهم و متعلمین و... در این قیام مسلحانه چه معنی داشت؟

از این قیام فقط سرمامور کشته شد- که در مورد آن معلومات نداشتند؟- یا چند پولیس کشته شدند و چند امبولانس شفاخانه آتش زده شد و عکس های داوود خان که در چهار راهی نصب بود به زیر کشانده شد و... آیا این همه عملیات بزرگ و با این تعداد نفر برای همین کار که اصلاً هدف مشخص نداشت لازم بود؟!

چرا به این تعداد بزرگ و از شخصیت های مهم جمعیت در عملیاتی نه چندان مهم، سهم داده و یا از آن دعوت به عمل آید؟ آیا کار جمعیت اسلامی فقط در همین روز خلاصه می شد و فردایی نداشت؟! آیا به تعداد افراد خانواده ها فکری شده بود و آیا لازم بود تاهمه اعضای مرد خانواده را در این عملیات مسلحانه سهم داد؟! آیا درست بود که مولوی صاحب، عزیز الرحمن و فضل الرحمان، سه برادر از یک خانواده و غلام دستگیر (صائم) و غلام سخی واثق از خانوادهٔ دیگر و عبدالغفور لالا و داکتر عبدالشکور - که قبلاً در زندان بود و بر این امر و عملیات مسلحانه اعتراض داشت- از خانوادهٔ دیگر و ... همه در این عملیات سهم بگیرند؟... از چندین برادر دیگر نیز دعوت شده بود که بعضی مانند استاد محمد عباس (مشفق) در آن نتوانستند شرکت کنند و از بعضی مانند من- که به لغمان آمده ام- اطلاعی نداشتند و... آیا پوشیدن لباس های خیاطی شده در پاکستان با یخن های آنچنانی و چپلی های پشاوری در چند نفری که تازه از پشاور آمده بودند، چه معنی داشت؟ آیا در خواست یکی از همکاران در عملیات در عصر دیروز، عملیات در قریهٔ باغمرزا در جمع کثیری از مردم که پلاس می خواهد یعنی چیزی که کیبل تیلفون را قطع کرده بتواند؟ برای چه بود؟... و...

این ها همه سوال هایی بود که در ذهن اکثر برادرانی خارج از زندان خطور می کرد و جمعی از مردم افسوس و حسرت می خوردند که چرا در جریان نبودند و از اصل ماجرا اطلاعی نداشتند...

نور آفتاب در روز پنجم:

گفته شد که از پایان عصر یکشنبه، پنجم اسد به فرمان والی، چشم ها و دست های مرا به عقب بستند و به قوماندانی امنیه فرستادند... تا روز پنجشنبه نهم اسد، چشمان ما بسته بود و در این روز اجازه می دادند که تحت نظارت پولیس با چشمان و دستان باز به بیرون از قوماندانی برای رفع حاجت بروم و همینکه پولیس در بیرون، چشمان مرا باز کرد، از شدت نور گفتم، چشمان مرا دوباره ببند که توان دیدن نور را ندارم ...

بعد به نظارت خانه برده شدیم و تعدادی از زندانیان دیگر نیز درین چند روز به آنجا آورده شده بودند... از جملهٔ آن ها فقط دو نفر را شناختم که عبارت بودند از پدران غلام دستگیر صائم و محمد هارون (ولایت خان)!

دیگران معمولاً طلبه های بعضی از مساجد و افراد ناشناس و بی غرض بودند... دو نفر یادشده در دو اتاق محبس بودند که برای ما قابل رویت بود، چون هوا بسیار گرم و ما در زیر درختان نشسته و اُلچک بودیم و این دو موسفید در اتاق های با کلکین های باز! قوماندان امنیه در معرض دید ما هریک از این دو مو سفید را به شدت لت و کوب می کرد و با دست های خود ریش های آنان را به شدت می گرفت که تارهای موی در دست های قوماندان باقی می ماند و آن را به زمین می ریخت!!

حملات طالبان بالای شهر ترینکوت ۵۴ کشته و زخمی بجا گذاشت



روز پنجشنبهٔ هفتهٔ گذشته، در ساحات مهم در مرکز ولایت ارزگان حملات مسلحانه از سوی طالبان صورت گرفت.

به گفتهٔ مقامات این ولایت، طالبان ساختمان ولایت، رادیو تلویزیون، قوماندانی امنیه و بخش های دیگری از شهر ترینکوت مرکز ولایت ارزگان را مورد حمله قراردادند.

گفته شده است که از آعاز این حملات که بعد از ظهر پنجشنبه آغاز شده بود تا چهار عصر ادامه داشت. از این میان دو انفجار در این ولایت ناشی از حملهٔ انتحاری بوده است.

بنا به گفتهٔ مسوولین شفاخانه ارزگان به رسانه ها، این رویداد ۱۷ کشته و حدود ۳۷ زخمی بجا گذاشته که به شفاخانهٔ ارزگان انتقال یافته است.

در مهارسازی و دفع این حملات علاوه بر نیروهای دفاعی و امنیتی داخلی، نیروهای آیساف نیز شرکت کرده اند.

در این حملهٔ طالبان، احمد امید خپلواک خبرنگار آژانس خبری پژواک نیز به شهادت رسیده است که روحش را شاد و جایگاهش را بهشت برین می خواهیم و بر عاملان چنین کشتارها نفرین می فرستیم.

این چنین حملات دستجمعی بالای تأسیسات دولتی در یک ولایت، از تاکتیک های جدیدی طالبان است که در پیش گرفته اند.

هفتهٔ پیش اقای کرزی در یک کنفرانس مطبوعاتی به طالبان و مخالفین مسلح دولت هشدار داده گفته بود، حال که انتقال مسوولیت امنیتی کشور از نیروهای خارجی به نیروهای افغان سپرده می شود. پس از این هرگاه طالبان از جنگ و خشونت دست بر نمی دارند و به صلح نمی پیوندند، بدانند که آنها طرفدار حضور خارجی ها در کشورما هستند و به نفع آنها کار می کنند.

چنین حملات در حالی صورت می گیرد که هفتهٔ قبل، در هفت منطقهٔ کشور تأمین امنیت آن از نیروهای خارجی به نیروهای داخلی سپرده شد.

آزادی هدیهٔ الهی و حق طبیعی هر انسان است

الحمد لله والصلاه والسلام علی رسول الله و علی آله و اصحابه و من دعا بدعوته و جاهد فی سبیله الی یوم الدین و بعد:

برادر محترم جناب آیت الله تسخیری
خواهران و برادران دانشمندا
السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

درآغاز بر روان تمام شهدای ایثارگری که در قیام های بزرگ ملی جان های خویش را فدای ملت نمودند، اتحاف دعا می نمایم.

شکی نیست که بر مبنای برداشت سالم از فرهنگ دینی، ایثارگران وجیبهٔ خود را اداء نمودند و در برابر قدرت های استعماری و تجاوزگر آرام ننشتند. آزادی وآزاد زیستن در تعلیمات و فرهنگ دینی ما جایگاه خاص خود را دارد. در حالی که آزادی یک حق است، دفاع از آزادی یک فرض نیز است.

آزادی در فرهنگ دینی ما یک موهبت الهی نیز می باشد، آزادی بر مبنای قرارداد اجتماعی هدیه ای نیست که حکومت ها و قدرت ها بر ملت ها می بخشند، بلکه هدیهٔ الهی و حق طبیعی است که هر انسان این حق را دارا می باشد.

اصلاً هدف اساسی و عمدهٔ رسالت های آسمانی درهم شکستن قدرت های سرکوبگر، استعمارگر و دشمنان انسان وانسانیت است.

قرآنکریم در آیه ای، هدف رسالت آسمانی را بیان می کند: انبیاء رسالت شان درهم شکنی زنجیرها از دست و پای بشریت است، بنده ها و زنجیرهای بندگی غیرخدا، بندگی هوا و هوس، بندگی انسان های ستمگر، بندگی و عبادت خرافات بوده است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) طی نامه هایی جداگانه این پیام را به فرمان راویان وقت، به قیصر و کسری فرستاد و به آنان پیام داد که شما مانع آزادی انسان ها نشوید، اگر چنین کاری کنید (فإن علیکم إثم فیهن) اگر مانع آزادی و حقیقت برای مردم شوید، گناه آنان بالای شماست. حضرت عمر زمانی که می بیند، یک قبطی غیر مسلمان، توسط پسر زمامدار مصر عمرو بن عاص شلاق زده می شود، حضرت عمر (رضی الله عنه) فرزند زمامدار خود را در مجمع عام می خواهد و برای قبطی می گوید، قصاص خو د را بگیر و شلاق را بر فرق این بچه های نازدانهٔ زمامداران بزن.

و باز می فرماید: از چه وقت شما مردم را غلام خود ساخته اید در حالی که مادران شان آنان را آزاد به دنیا آورده است.

حضرت علی کرم الله وجه می گوید: تو آزاد هستی و چی کسی تو را بنده ساخته است.

پس موضوع آزادی در اسلام یک حق طبیعی و موهبت الهی است، که باید هر انسان آزاد زندگی کند، عبودیت در هر شکلی که باشد در فرهنگ دینی ما محکوم است، انسان غلام ناقص الکرامت است. اسلام دفاع از آزادی و مظلومین را در سر فهرست عبادات و بزرگترین راه تقرب الی الله معرفی می نماید.

رسول اکرم می فرماید: **جهاد در راه خدا، به معنای جهاد در راه آزادی مظلومان و سرکوبی ستمگرانی که انسان ها را اسیر می سازند.**

یقیناً ایثارگرانی در میان ملت ما در طول تاریخ بودند و هستند که همیش در برابر هر قدرت استبدادی و استعماری، قیام کردند، اما این که بعد از قیام ها چه شد و انگیزه قیام ها چه بود؟باید دقت کرد.

ما همیشه بعد از قیام ها به یک حالتی روبروشدیم که خلاف خواسته های ایثارگران و قیام کنندگان بوده است.

در دوران قیام ها، عمده ترین عامل پیروزی ایمان عمیق و خلل ناپذیر به دین و ارزش های دینی، محبت به آزادی وآزاد زیستن بود.

وحدت و همبستگی ملی در میان ملت های مسلمان، که هیچ رنگ و زبان و مذهب را نمی شناختند، ترک، تاجیک، پشتون، هزاره، بلوچ و پشه یی برادروار همه در یک سنگر قرار می گرفتند. اما بعد از پیروزی ها، باز می دیدیم که نعره های قومی وگروهی بلند می شود که عامل شکست و اختلاف است.

چند چیز را می توان به عنوان پیش فرض آزادی ها قبول کرد. نخست، اهداف که بر مبنای آن قیام های آزادی بخش صورت گرفته است.

دوم، حفظ اهداف است که بدون شک عزت و سربلندی و از بین رفتن تمام آثار غلامی و استبداد است.

سوم، تعمیم علم و دانش است، ملت های جاهل قیمت آزادی را نمی دانند، در مدینه منوره، در نخستین تجمع مسلمانان دیده شده که پیام های آنان چه چیز ها بود؟ وقتی از انصار یاد می کند، قرآنکریم دو چیز را می گوید: **(یحبون من هاجر الیهم)** دوستی و محبت شان به برادران مهاجر شان زیاد بود. دومین خصوصیت شان **(و یؤثرون علی أنفسهم و لوکان بهم خصاصه)** ایثارگری در میان شان زیاد بود. محبت و ایثارگری اساس و زیربنای تشکیل دولت اسلامی در مدینهٔ منوره بود.

البته در پهلوی این که میثاق مدینه را رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) ساخت هر شهروند مدینه، حق داشتند که از آزادئ های مدنی آنان هم دولت دفاع بکند و هم مردم.

از حقوق شهروند غیر مسلمان نیز برمبنای این پیمان مدینه دفاع صورت می گرفت.



قیام های شرقی میانه:

عمده ترین شعارهای شرق میانه در آن است که آزادی، آزادی (الحریه الحریه)

آزادی و عدالت باعث قیام های شرق میانه شده است. در پیام رئیس جمهور افغانستان به یک نقطه ظریف اشاره شده بود این که، آزادی سیاسی بدون آزادی اقتصادی به کمال نمی رسد.

این مسئله کاملاً دقیق است، بدون شک ملت های که کاملاً استقلال اقتصادی نداشته باشند، استقلال سیاسی خود را از دست می دهند.

حضرت علی کرم الله وجه می گوید: قسم به خدا، اگر فقر یک زنده جان می بود، اولین چیزی را که از بین می بردم، فقر بود.

فقر و محرومیت و وابستگی اقتصادی باعث بدبختی ها و از دست دادن تمام دستاوردهای سیاسی می گردد.

رسیدن به آزادی سیاسی یک وجیبهٔ مقدس است. خونی که از بدن یک شهید به زمین می ریزد مقدس است، گرد و خاکی که از پای یک اسپ به هوا بر می خیزد، در نزد خدا مقدس است، اما آزادی تنها منحصر به بخش سیاست نمی شود. بلکه سایر بخش های زندگی را در برمی گیرد. من به ارتباط مصاحبهٔ دیروز یک مقام وزارت تجارت، می خواهم چیزی را یاد آورشوم. وی در پاسخ به نگرانی های تعدادی از شهروندان می گوید که، قیمت ها بلند رفته است می گوید، ما متکی به بازار آزاد هستیم و بازار آزاد ما را مقید ساخته است. از همین جا معلوم می شود که ما چقدر در گرو یک روشی قرار گرفتیم که آزادی های اقتصادی ما را زیر سوال برده است.

بازار آزاد مقدس نیست. اصلاً مصالح مردم، منافع و حیات مردم مقدس است. من تعجب می کنم در افغانستانی که به مسایل بازار آزاد و حرف هایی به نام دموکراسی که تا هنوز ما از هر لحاظ بسیار فاصله داریم، ص۷

مباحثی پیرامون ادیان شناسی تطبیقی

سیری در ادیان رایج جهان

(سید احمد اشرفی)

آیین جینی

ریاضت و ترک دنیا:

آیین جینی برای رسیدن به مرتبهٔ نجات یا نیروانا پیروان خویش را به ترک دنیا و ریاضت های بسیار دشوار و مشکل توصیه می کند. ریاضت در این آیین به مراتب مشکل تر از ریاضت هندوان است. در آیین جینی باید انسان به حدی ریاضت بکشد که بهمه مشاعر و عواطف و احساس ها نیاز مندی های خویش غالب شود، تا جایی که دوستی و دشمنی، غم و شادی، ترس وشرم، گرسنگی و تشنگی، خوبی و بدی، سردی و گرمی، نفرین و آفرین را اصلاً احساسی نکنند، و به یک حالتی از جمود و رکود و بی احساسی و بی شعوری برسد.

بزرگ ترین نشانهٔ غلبه براحساسات و عواطف این است که، انسان لباس نپوشد، و بدون احساس شرم و حیاء برهنه و لخت در میان مردم راه برود. زیرا انسانی که حسن و قبح را می فهمد و حیاء دارد به این معناست که او تا هنوز به دنیا و مفاهیم دنیوی وابسته است.

دیگر اینکه احساس حیا وشرم متضمن تصور گناه است، اما برعکس کسی که این احساس را از دست می دهد، تصور گناه را نیز از دست داده است، و این نهایت تقوا وپارسایی او را نشان می دهد. لذا یک راهب جینی که عازم رسیدن به نجات است باید لخت و برهنه زندگی کند، و عوض لباس، آسمان و هوا را بپوشد.

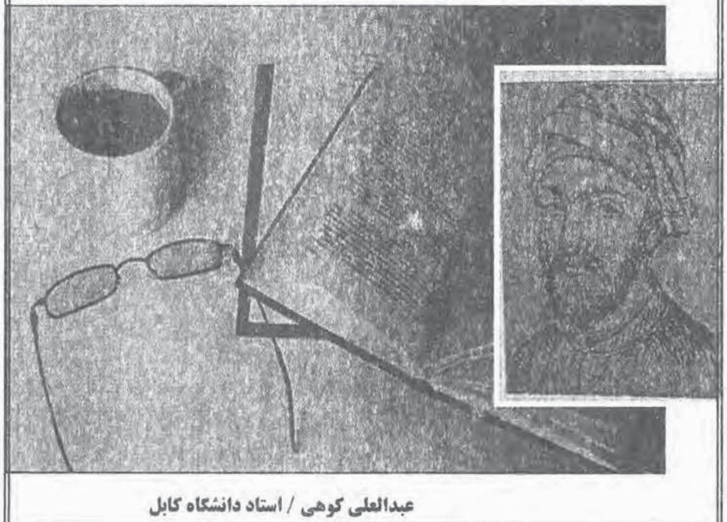
خود کشی: بالا ترین مرتبهٔ ریاضت و پارسایی و از دنیا گذشتگی، و بزرگ ترین فضیلت و مقام در آیین جینی- که تنها خواص می توانند به آنجا برسند- خود کشی و انتحار تدریجی از طریق امتناع از خوردن غذاست. طبقهٔ برگزیده و والامقام در این آیین کسانی اند که برهنگی و گرسنگی و خود کشی بر آنها آسان باشد. بسیاری از رهبران دینی جینی ها از طریق انتحار مرده اند و تا امروز این رسم در میان مرتاضان و راهبان جینی پا برجاست.

سه گوهر گران: جینی ها برای تکامل روح، چهارده مرحله قائل هستند که اولین مرحله ناپاکی روح آخرین مرحله رسیدن به آزادی و نجات است. و برای رسیدن به هدف مقدس، غیر از ریاضت و کشتن نفس، تمسک به سه گوهر گران بها که می توان آن ها را اصول اخلاقی این کیش دانست ضروری و الزامی است.آن سه گوهر گران بها، عبارتند از ۱- ایمان درست. ۲- معرفت درست ۳- رفتار درست. رفتار درست مستلزم آنست تا آدمی از پنج چیز پرهیز کند:

۱- دروغ گفتن .
۲- از تصرف اموال دیگران.
۳- از تمایلات نفسانی وجسمانی.
۴- از دلبستگی های دنیوی و بی نیاز بودن ازمال دنیا.
۵- از آزردن، و کشتن جانداران، و محترم شمردن حق همهٔ موجودات ذی روح.

منوچهری پیرو شاعران عرب

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل



مقدمه:

یکنوع مشترکات وتأثیر پذیری درمیان شاعران کلاسیک فارسی دری وعربی دیده میشود که نمونه های آن را میتوان در اشتراک مضامین در أشعار شاعرانی؛ چون: رودکی، مولانا، دقیقی، سعدی، آغاجی، معزی ودیگران جستجو کرد. بعد از قرن أول ودوم هجری که شعرعربی مورد تقلید شاعران فارسی سرای قرار گرفته بود؛ أما بعد از قرن دوم هجری، دیگرشاعران فارسی سرای، از الگوها، مضامین، تصاویرشعرعربی وپیروی از آن، ذوق زده شده وآرام آرام به طرف استقلال ازشعرعرب برآمدند. باوجود این حرکتهای نوجویی، تنی چند ازشاعران؛ مانند: منوچهری، معزی، لامعی ودیگران به الگوهای شعرعربی وفادارماندند، أشعار و قصائد آنان، همان مشخصات شعر کهن عربی را در زمینه های تصویر سازی و إرائه بیان حفظ کردند، که ازجمله میتوان از أبوالنجم أحمد بن قوص بن أحمد منو چهری دامغانی ازشاعران قصیده سرا، خوش قریحه و شیرین سخن فارسی دری در قرن چهارم و أوائل قرن پنجم هجری نام برد. منوچهری پس ازعنصری سمت ملک الشعرائی دربار محمود و مسعود را داشت وبزرگترین شاعر در عصر خود به شمار میرفت. منوچهری خود را از پیروان، مقلدان و از شاگردان شاعران عرب خوانده و به شعرعربی چشم بسته است. بیشتر اشعار منوچهری در مدح سلطان محمود غزنوی بوده و شاعر در قصائد افزون به مدیحه سرائی به جزئیات زنده گی، جنگها وگرفتاری های مسعود ازجانب ترکان سلجوقی اشاره کرده است، و از روی همین وقائع، تاریخ سرودن بیشتر قصائد او را میتوان درمتون تاریخی تخمین وتعیین کرد.

تولد شاعرمعلوم نیست؛ أما وفات اش را که در جوانی اتفاق افتاده است، سال ۴۳۲ هجری نوشته اند.

منوچهری شاعر قصیده سرا:

منوچهری شاعری أست لطیف طبع و دارای ذوق سرشار و قریحی خداداد، که شاعران خلف او به او لقب استادی داده اند. منوچهری در توصیف وتشبیه؛ به ویژه وصف طبیعت، نقاش ظریفی است، که با کلک هنر آفرین خویش از طبیعت تابلوها ومنظر های زیبا می سازد. کلمات در دست منوچهری مانند موم در دست نقاش است، او کلمات را رنگین می افرینند وطبیعت را با افزار تصویر و ترکیب های زیبا رنگ آمیزی می کند.

باید گفت، که منوچهری در حوزه تصویر سازی و بیان هنری از نادره های زمانش محسوب می شود. او از جمله شاعرانی است، که مورد تقلید شاعران بعد از خود قرار گرفته است. او قوس قزح، لاله نعمان، دریا، آسمان، بنفشه ،بهار، مهرگان، داس، ماه نو، خورشید و شب را چنان به تصویر می کشد، که دست نقاشان و هنرمندان را، از پشت می بندد وبه قول نادر نادر پور، منوچهری صورتگر نقاشی است، که هردم با تیشه خیال برای خود معشوق زیبا می آفریند او تجسم سرزدن خورشید را از پشت کوه، با چنان استادی ومهارت به تصویر می کشد، که گویی نقاش آن را تصویر نموده است.

سرازالبرز برزد قرص خورشید
چوخون آلوده دزدی سرزمکمن
به کردار چراغ نیم مرده
که هرساعت فزون گرددش روغن

تصویر در شعر منوچهری نوعی کوشش ذهنی وی است؛ اما بسیاری از تصویر های او مادی ومحسوس می باشد. تصویر منوچهری در اشعار باران، تصویر ملموس وتجربی است ودرین تصویر هیچ گونه جنبه انتزاعی وتجریدی دیده نمی شود.

فروبارید بارانی زگردون
چنان چون برگ گل بارد به گلشن
ویااندر تموزی مه ببارد
جراد منتشر بربام وبرزن

منوچهری نرگس را به حوران مانند میسازد که طبق های سیمین بر سر دارند و این طبق ها پر از ساغر های زرین است، و گاه آن را به چاه زقن مانند میکنند و گاهی به زورق سیمین و گاهی این نرگس سیمین قدح است در کف سیمین صنمی و یا درخشنده چراغی است در میان پروین و یا دلبری است که همه تن چشم است و یا ماه است در میان ثریا. در قصیده ای که به این مطلع آغاز میشود

شبی گیسو فروهشته به دامن
پلاسین معجر و قیرینه گرزن

تصویر خورشید به مانند دزدی است خون آلود که از کمین گاه به در می آید با چراغ که هر لحظه روغنش بیافزاید و آمدن مه چنان است که در هزاران خرمن تر عمداتش زنند. او میخواهد طبیعت مرده را در کنار طبیعت زنده قرار دهد. موصوف در ادامه این قصیده تصویر های، سیل های دراز آهنگ، پیچان و زمین کن را به مانند مارانی میبیند که به اثر افسون مردم عزاءم خام به تگ خاسته باشند و یا بارش باران تند در بیابان به مانند فروریختن ملخ ها است و جستن برق به گونه آهنگری است که از کوره تنگ، در شب تاریک رخشنده آهن را به درد آورد و در همه این تصاویر طبیعت بی جان یا طبیعت زنده (انسان و یا جانور) ترکیب شده است.

موارد چند از پیروی منوچهری از شاعران عرب:

برخی از قصاید منوچهری فهرست نام شاعران عرب میباشد. توجه به نام های هروه، عفرا، جمیل، بثینه، ام اوفی، عنیزه و نام های شاعران بزرگ عرب همه نشانه های تاثیر فرهنگ شعری عرب در تصاویر او میباشد. منوچهری در قصاید خود به تصویر شاعران جاهلی نظر داشته و تاثیر ابن معتز از شاعران دوره اول عباسی در وی بیشتر میباشد. شعر منوچهری سر شار از تلمیح به شاعران عرب است. در قصاید منوچهری وصف اطلال و دمن، وصف اسب یا شتر، توصیف آسمان پر ستاره، وصف بیابان، وصف صحرا. شب دشت، خطاب به شتر و غیره بیشتر به نظر میرسد که در ادبیات شاعران کلاسیک عرب کاربرد ... داشته است. منوچهری در قصیده ... گیرایی میگوید: رسم و اط... وصف میکند چیزی جز محل ... گساری های او نیستند.

و آنجا که بود مستی ایام گذشته
آنجاست همه رسم طلول ودمن م...

و همچنان:

نوای قمری وطوطی که بارودست ومی ...
نشید بلبل وسلسل "قفا نبک"و" من ذکری"

تلمیح و به مطلع قصیده امروء قیس است که می گوید:

قفا نبک من ذکری حبیب و منزل
بسقط اللوی بین الدخول فحومل

منوچهری در قصاید خود به الگو های عربی نظر داشته است. طوریکه از معلقه امرو القیس تاثیر فراوان برده است. این قصیده منوچهری به مبنای الگو های عربی سروده شده است.

سلام علی دار ام الکواعب
بتان سیه چشم عنبر ذوائب
رسوم الطلل و الدیار الدوراس
چو بر صدر منشور توقیع صاحب
فتاده به نسرین بر اوراق سنبل
چو بر روی قرطاس خط های کاتب
مقام غوانی گرفته نوایح
بساط عنادل سپرده عناکب
چو سیر کواکب بدین گونه دیدم
براندم نجیب از مقام مصائب

در این قصیده بسیاری از کلمات معلقه معروف امرو القیس نظیر سجنجل، غدیر، قندیل رایب و غیره میباشد و در این قصیده ماجرای او با دختر عمویش عنیزه که شاعر شتر خود را برای او و همراهانش قربانی میکند. به مشکل میتوان تقلید دقیق تر و مو به مو را تصور کرد. نمیتوان باور کرد که منوچهری در تمام طول زندگیش هرگز به چنین صحنه برخورد کرده باشد، اما جاذبه امرو قیس که به او داشته است شاعر را وادار به وی نموده است. منوچهری به مانند شاعران عرب جاهلی گلایه آغاز کرده می گوید:

ز خواب هوی گشت بیدار هر کس
نخواهم شدن من ز خوابش مفیقا

این بیت هم یادآوری بیت زیر از امرو القیس است:

تسلت عمایات الرجال الصبی
و لیس فوادی عن هواک بمنسلی

(مردان زود از نادانی عشق به هوش می آیند و فقط دل من است که نمیتواند خود را از عشق تو برهاند).

به همین گونه نمونه هایی وجود دارد که منوچهری همان اوزان و قوافی را به کار برده و نام شاعر عرب را نیز ذکر نموده است که به نمونه های آن پرداخته میشود:

چو از زلف شب باز شد تاب ها
فرو مرد قندیل محراب ها
سپیده دم از بیم سرمای سخت
بپوشید بر کوه سنجاب ها
به میخوارگان ساقی آواز داد
فکنده به زلف اندرون تاب ها

در این جا شاعر به قصیده مشهور اعشی اشاره کرده می گوید:

ابر زیر و بم شعر اعشی قیس
زننده همی زد به عناب ها
وکاس شربت علی لذة
...ی تداویت منها بها
... الناس انی امر
...یشه من با بها

... و مفهوم این دو بیت عربی در ...وچهری چنین است:

و جامی را برای لذت نوشیدم و جامی دیگر را تا تشنگی حاصل از جام نخست را فرونشاند. تا آن که مردم بدانند که من مردی هستم که از زندگی از راهش لذت میبرم. منوچهری در این شعر وام دار دو شاعر عرب است؛ زیرا وزن و قافیه را از اعشی و مضمون را از ابو نواس گرفته است. منوچهری از جور روزگار مانند شاعران عرب گلایه میکند. چنانچه در قصیده ابو الشیص که منوچهری این شعر را به اقتفای او سروده است و اسم او را در بیت ماقبل آخر نیز آورده است.

برآن وزن این شعر گفتم که گفته است
ابو شیص اعرابی باستانی
اشاقک و اللیل ملقی الجران
غراب ینوح علی غصن بان

یعنی: درحالی که شب پرده های خود را فروهشته است، غرابی نالان بر شاخه های درخت بان تو را به وجد آورده است.

(ادامه در شمارهٔ آینده)

بنام پروردگار دانا و توانا

و به نستعین

حضار گرامی!

اجازه بدهید نخست از همه تشریف آوری تک تک شما را به ولایت باستانی و داستانی بلخ بامی- این گهوارۀ شش هزارسالۀ فرهنگ و تمدن آریانای کهن و به شهر مزار فیض آثار سپه سالار بزرگ اسلام و چهارمین خلیفۀ پیامبر اکرم (ص) صمیمانه خوش آمدید بگویم.

امروز ما و شما در این جا حضور یافته ایم تا مراسم انتقال مسؤولیت های امنیتی شهر مزارشریف را به نیروهای افغان برگزار نماییم. من به حیث مسؤول درجه اول ولایت بلخ و نمایندۀ رئیس جمهور در این ساحه، در حالی که از تصمیم رئیس جمهور کشور مبنی بر انتقال گام به گام مسؤولیت های امنیتی مناطق و شهرهای کشور به نیروهای افغان، پشتیبانی خود و مردم بلخ را اعلام می دارم، به این باور هستم که قبول مسؤولیت های امنیتی ولایات و مناطق کشور مان یک وجیبۀ مهم ملی و یکی از اساسی ترین شرایط استقلالیت و حاکمیت واقعی ملی ما افغان ها است.

من به جلالتمآب رئیس جمهور کشور اطمینان می دهم که ما بلخیان منحیث افغان های واقعی و وارثان راستین نیاکان آزادۀ خویش، با تمام نیرو از وجب وجب خاک میهن، از تمامیت ارضی، استقلال و وحدت ملی مان و از صلح، امنیت و عزت زن و مرد این سرزمین قاطعانه دفاع می کنیم. ما در حالی که از جامعۀ جهانی و دوستان بین المللی ما به ویژه ایالات متحدۀ امریکا، آلمان و دیگران به خاطر کمک های ارزشمند شان مخصوصاً در عرصۀ امنیت عمیقاً سپاسگزار هستیم، به خوبی درک می نماییم که گذاشتن بار مسؤولیت های امنیتی و نظامی کشورما بردوش آنها، برای همیشه، کاری معقول و سودمند نیست. در عوض هم برای دوستان بین المللی و هم برای ما افغانان، به صرفه تر است که همکاری ها و کمک ها در عرصه های ملکی و انکشافی هرچه گسترده تر ادامه یابد.

دوستان عزیز!

اگرچه مسؤولیت های امنیتی شهر مزارشریف، طی ده سال گذشته نیز بردوش نیروهای افغان بوده و طی این مدت به لطف خداوند، با مدیریت سالم رهبری این ولایت، هماهنگی و کارخوب نیروهای مسلح و امنیتی ما و حمایت صمیمانۀ مردم، امنیت در این شهر و ولایت بهتر از هرجای دیگر تأمین بوده بازهم ما از انتقال رسمی مسؤولیت های امنیتی این شهر به نیروهای افغانستان، استقبال می کنیم و با کمال افتخار برای ادای درست مسؤولیت های مان می کوشیم.

در اینجا کاملاً بجا است که از فرماندهان و جنرالان، افسران و سربازان اردوی ملی، پولیس ملی، امنیت ملی و ارگان های کشفی و از تک تک هموطنان به خصوص مردم دلیر و میهن دوست بلخ که تا امروز ما را در تأمین امنیت و آرامش در این ساحه، صمیمانه یاری رسانیده و پس از این نیز در این مسیر استوارانه گام خواهند برداشت، قلباً ابراز سپاس نمایم.



ما به خاطر عزت و شرف مردم خود و دفاع از زن، مرد، و کودک بیگناه کشور با متانت و پایداری تام رزمیده و خواهیم رزمید

گفتنی است که نگرانی برخی ولایات از انتقال مسؤولیت های امنیتی به ویژه ختم کار P.R.T قابل درک است زیرا تیم های بازسازی ولایتی در آن ولایات کارهای چشمگیر و ماندگار بازسازی و انکشافی از قبیل اسفالت سرک ها، اعمار مکاتب، شفاخانه ها و امثال آن را انجام داده اند، اما در ولایت بلخ P.R.T طی نه سال گذشته، چه هنگامی که بریتانیایی ها به این نام در اینجا بودند و چه اکنون که دوستان سویدنی هستند کدام کار محسوس در زمینه های بازسازی و انکشافی انجام نداده اند. بنا براین، وجود و عدم وجود این تیم برای بلخیان یکسان و بی تفاوت می باشد.

<u>من متیقن هستم که پس از انتقال رسمی مسؤولیت های امنیتی، در کوتاه مدت ما با مشکلات جدی مواجه نخواهیم بود، اما در دراز مدت، با توجه به اینکه تروریست ها و حامیان شان با تغییر تاکتیک نبرد به روش های نامتعارف جنگ غیر منظم و فرساینده در همه ابعاد به ویژه کشتار بدون هدف مردم ملکی و ترور شخصیت های نخبۀ نظامی و ملکی کشور متوسل شده اند، ما با چالش های زیادی روبرو خواهیم شد.</u>

دشمنان مردم افغانستان با قتل زنجیره یی نخبگان این کشور، چون جنرال داود داود، جنرال مولانا سید خیلی، مصطفی کاظمی و همراهان، انجنیر محمد عمر والی کندز، ملک زرین متنفذ قومی، جنرال خان محمد مجاهد، فرمانده شاه جهان نوری و بالآخره احمد ولی کرزی برادر رئیس جمهورمان و رئیس شورای ولایتی کندهار، و دیگران، به این خیال خام دل بسته اند که میتوانند با نابودی شخصیت های برگزیده و موثر، به آسانی بر افغانستان تسلط یابند، این یک پندار باطل است. کشورما و سنگرهای نبردما برای استقلال، صلح و ترقی هیچ گاه از فرزندان صادق و توانمند تهی نخواهد شد. از خون هر شهید، صدها مبارز دیگر برمی خیزد. آیا تروریست ها فراموش کرده اند که با شهید ساختن قهرمان ملی ما احمد شاه مسعود، در ده سال پیش چه حاصلی جز شکست و سقوط ذلتبار به دست آوردند؟ من مطمئن هستم که عمل تروریست ها مبنی بر ترور فرزندان نخبه و اصیل این ملت، صرفاً خشم مردم را علیه آنان تشدید نموده، شکست و نابودی شان را تسریع خواهد بخشید.

من با صدای رسای خود به دشمنان خطاب می کنم که ما در یک صف آهنین با قامت بر افراخته، شجاعانه و جاودانه چون کوه استوار در برابر شما ایستاده ایم و خواهیم ایستاد. ما به خاطر عزت و شرف مردم خود و دفاع از زن، مرد، و کودک بیگناه کشور که از ریختاندن خون های پاک آنها وحشیانه لذت می برید با متانت و پایداری تام رزمیده و خواهیم رزمید.

حضار محترم!

ولایت بلخ به حیث زادگاه و خاستگاه یکی از کهن ترین و پربارترین مدنیت های انسانی یعنی فرهنگ و تمدن آریایی و مرکزیت یک بدنۀ مهم افغانستان امروزی، بنابر اعتماد و همکاری مردم فرهیختۀ آن با فرزندان شان در حکومت محلی به سبب مدیریت و همیاری سالم در سطح رهبری و ارگان های ملکی و نظامی این ولایت، یکی از مناطق نسبتاً امن در کشور ما است اما متأسفانه برخی از شبکه های استخباراتی مانند آی.اس.آی و گروه های هراس افگن حقانی، طالبان، حرکت اسلامی ازبکستان و تروریستان آقای حکمتیار به صورت متداوم در پی ایجاد ناامنی و بی ثباتی در این منطقۀ صلح آمیز و امنیت پسند هستند، من یقین دارم و به آنان هشدار می دهم که اگر از برنامه ریزی های خرابکارانۀ شان در این منطقه اجتناب نورزند، به یاری خداوند و به همت مردم و قوای امنیتی بیدار ما قطعاً محکوم به شکست و ناکامی ذلیلانه بوده و خواهند بود!

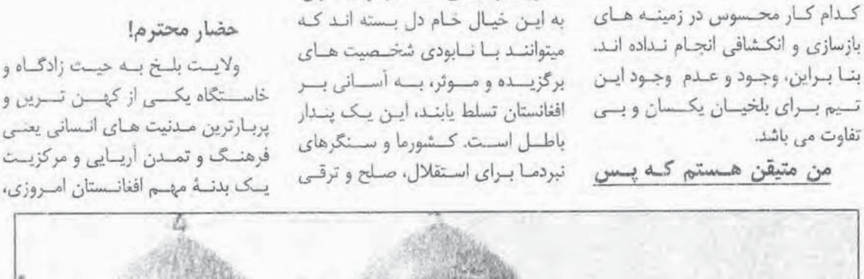
دوستان ارجمند!

همانگونه که در بالا یاد آور شدم دشمن با تغییر روش های خرابکارانه اش در بلند مدت می تواند به هراس افگنی و جنگ اعصاب خویش ابعاد وسیعتری ببخشد و این امر می تواند دستاوردهای ما و جامعۀ بین المللی را در افغانستان تهدید نماید، بنابراین برای مقابله با خرابکاران و تروریستان تربیت شده و وارد شده از خارج، ما باید تدابیر خود را داشته باشیم.

<u>من پیشنهاد می کنم که به خاطر تحکیم هرچه بیشتر امنیت و حفاظت از دستاوردهای موجود در قسمت ارتقای ظرفیت های بخش های ملکی و نظامی و تعلیم و تربیۀ پرسونل اعم از اردوی ملی، پولیس ملی، امنیت ملی و قوای هوایی کشور توجه بیشتر صورت گیرد، در قسمت تجهیز و تسلیح آنان با اسلحۀ موثر و تجهیزات مدرن به شمول هواپیماه های جنگی و سیستم پیشرفتۀ رادار برای قوای هوایی عطف توجه جدی شود، من متأسفم که امروز مسؤولیت های امنیتی به ما سپرده می شود ولی هنوز تشکیل پولیس محلی به ما داده نشده است و خبری از آن نیست.</u>

تقاضا می نمایم که در پیوند با پروسۀ انتقال مسؤولیت های امنیتی پروژه های پیشنهادی ولایت بلخ که برای بهبود زندگی مردم، تهیۀ کار برای جوانان و جلوگیری از پیوستن جوانان به صفوف دشمن موثر است هرچه زود تر منظور و برای تطبیق آنها اقدامات عملی آغاز گردد.

ص۷



قرارداد استراتژیک یا اعلامیهٔ استراتژیک

وحید مژده

در اوایل سال جاری میلادی حکومت افغانستان اعلام داشت که به خواست ایالات متحدهٔ امریکا، طرح یک قرارداد استراتژیک میان دو کشور را تهیه و به جانب امریکا تسلیم نموده است. مسودهٔ قرارداد در اختیار پارلمان کشور قرار نگرفت و کسی نمی دانست که حاوی چه مطالبی است. فقط رئیس جمهور کرزی به صورت مبهم اشاراتی داشت از جمله اینکه، باید قبل از امضای این قرارداد، در افغانستان صلح برقرار گردد. وی همچنان برای گرفتن تصمیم در مورد این امر مهم، از فراخواندن یک لویه جرگهٔ عنعنوی سخن گفت و صبغت الله مجددی را مسوول این کار قرارداد تا بعد از عید رمضان چنین جرگه ای را فرا خواند.

برای مردم افغانستان مهمترین و حساس ترین بخش این قرارداد استراتژیک، موضوع پایگاه های دایمی امریکا در افغانستان بود که از سال ۲۰۰۵ به بعد مقامات امریکایی در مورد آن اظهارات ضد و نقیضی داشتند. گاهی خواست داشتن پایگاه را مطرح می کردند و زمانی هم می گفتند که چنین قصدی را ندارند در حالی که برای بسیاری از مردم افغانستان، اجازه دادن به پایگاه های امریکا به معنی قبول اسارت دایمی تلقی می شود.

حکومت افغانستان به تدریج جزئیات بیشتری در مورد این مسودهٔ پیشنهادی را روشن ساخت از جمله اینکه اگر امریکا خواستار پایگاه دایمی در افغانستان است باید به موارد ذیل پابند باشد:

- نیروهای امریکایی بعد از امضای این قرارداد حق ندارند تا دست به عملیات خودسرانه زده و افغان ها را دستگیر سازند.
- امریکایی ها حق ندارند تا در افغانستان زندان داشته باشند.
- امریکایی ها باید به کمک به نیروهای نظامی افغان ادامه دهند و این نیروها را به جنگ افزارهای سنگین و طیارات بمب افگن مجهز سازند.
- در صورت قبول شرایط افغانستان، امریکا می تواند برای مدت ده سال یعنی از سال ۲۰۱۴ الی ۲۰۲۴ در افغانستان باقی بماند. بعد از ده سال این قرارداد درصورت موافقت جانبین تجدید می گردد.

اکنون به نظر می رسد که امریکایی ها این طرح را رد کرده اند. مشاور امنیت ملی رئیس جمهور کرزی رنگین دادفر سپنتا در پارلمان به صراحت گفت که امریکایی ها حتی حاضر نیستند تا اردو و پولیس ملی افغان را بعد از ۲۰۱۴ کمک نمایند. رد این خواست افغانستان در حقیقت نمایانگر تغییری عمده در نظر کنگرهٔ امریکاست. بعضی از نمایندگان کنگرهٔ امریکا قبلا گفته بودند که اختصاص چنین بودجهٔ عظیمی برای بازسازی نیروهای نظامی افغان امکان پذیر نیست. نیروهای افغان برای اینکه روی پای خویش بایستند سالانه به ده ها میلیارد دالر کمک امریکا نیاز دارند و بدون کمک امریکا، دولت افغانستان حتی توان پرداخت مصارف غذای این نیروها را نیز ندارد.

اکنون جانب امریکا بعد از بررسی کامل طرح پیشنهادی افغانستان می گوید که، می خواهد به جای امضای قرارداد استراتژیک، اعلامیهٔ استراتژیک با حکومت افغانستان امضاء کند و حضور نیروهای شان در افغانستان بربنیاد همان اعلامیه ای باشد که در سال ۲۰۰۳ میان وزیر خارجهٔ وقت افغانستان داکتر عبدالله و امریکا امضاء شده و در آن به نیروهای امریکایی برای عملیات در افغانستان دست باز داده شده است.

این اولین باری است که حکومت افغانستان از جزئیات مطالبی سخن می گوید که داکتر عبدالله با امریکا به امضاء رسانیده بود در حالی که در زمان امضای اعلامیه، مردم افغانستان در جریان متن آن قرار نگرفتند. می دانیم که در سال ۲۰۰۳ در کشور امنیت برقرار بود و خطری از ناامنی جدی افغانستان را تهدید نمی کرد. سوال اینست که روی کدام ضرورت چنین اعلامیه ای با امریکا به امضا رسید که به موجب آن امریکایی ها با دست باز به دهات افغانستان هجوم بردند و به دستگیری و کشتار روستانشینان به خصوص در جنوب پرداختند؟ آیا هدف گرفتن انتقام قومی بود؟ آیا امضای چنین اعلامیه به هدف وادار ساختن مردم جنوب به جنگ به حمایت از طالبان امضاء نشده بود؟

اینکه مشاور امنیت ملی رئیس جمهور اکنون از این راز پرده بر می دارد به وضوح نشان از فرافگنی و انداختن بار تمام مسوولیت به دوش وزیر خارجهٔ وقت داکترعبدالله دارد. شکی نیست که امضای چنین اعلامیه ای با امریکا یکی از خیانت های بزرگ در تاریخ افغانستان تلقی خواهد شد اما داکتر عبدالله به عنوان وزیر کابینهٔ آقای کرزی نمی توانست چنین سندی را بدون اجازهٔ رئیس جمهور امضا نماید. امضای داکتر عبدالله بر پایی این سند، چیزی از بار مسوولیت سایر مقامات حکومتی در آن زمان کم نمی کند.

رایان کراکر سفیر جدید امریکا در کابل نیز ضمن تاکید بر اینکه امریکا خواهان داشتن پایگاه دایمی در افغانستان نیست گفت: تنها اولویت ما در افغانستان ایجاد امنیت و ثبات پایدار و اطمینان از اینکه افغانستان بار دیگر به پناه گاه امن برای تروریست ها تبدیل نخواهد شد، می باشد. امریکا هیچ دستور کار مخفیانه ای در افغانستان ندارد. رایان کراکر اظهار داشت که امریکا در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ به اشتباه افغانستان را ترک کرد که منجر به جنگ داخلی در این کشور، ظهور طالبان، سوء استفادهٔ القاعده از افغانستان به عنوان پناهگاه و حملات ۱۱ سپتامبر شد. کراکر تصریح کرد که پایگاه‌های دائمی امریکا در افغانستان منافعی برای امریکا به همراه ندارد و مطمئن است که حتی پس از خروج سربازان امریکا از افغانستان در سال ۲۰۱۴، امریکا قادر خواهد بود که از بازگشت طالبان به قدرت جلوگیری کند. کراکر نگفت که این کار را در شرایطی که امریکا نمی خواهد نیروهای مسلح افغان را تقویت نماید چگونه صورت خواهد گرفت.

لازم به یادآوری است که کراکر در مجلس استماعیهٔ کنگرهٔ امریکا به عکس العمل تند نمایندگان از جمله جان کری از حزب دیموکرات مواجه شد. کری گفت که تعهدات مالی امریکا در افغانستان مبتنی بر منافع امریکا نبوده و ناپایدار است. امریکا در افغانستان یکصد هزار سرباز دارد که ماهانه ده میلیارد دالر برای مصارف آنان هزینه می نماید.

قبلا نیز در کنگرهٔ امریکا این مسئله مورد بحث قرار گرفته بود که امریکا باید افغانستان را بازسازی نماید یا اقتصاد بحرانی امریکا را.

اظهارات ضد و نقیض مقامات امریکایی در مورد قرارداد استراتژیک و سرانجام مبدل.شدن آن به یک اعلامیه که بیشتر شامل تعهدات اخلاقی خواهد بود و الزامی را در قبال نخواهد داشت، نشان از شکست از مایوسی امریکا از پیروزی در افغانستان ندارد؟ از ظاهر امر چنین پیداست که امریکا نمی خواهد با داشتن پایگاه های نظامی دایمی در افغانستان، نیروهای خود را در کشوری محاط به خشکه طوری محصور بسازد که به وابستگی بیشتر امریکا به پاکستان یا فدارسیون روسیه بینجامد. به خصوص که کشورهای منطقه و همسایه های افغانستان هم با پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان مخالف اند. اما اعلامیه ای بر بنیاد آنچه که در سال ۲۰۰۳ با داکتر عبدالله عبدالله امضاء کردند، دست امریکا را در اینکه هر زمانی که بخواهد به افغانستان نیرو بفرستد، باز خواهد گذاشت تا از خاک این کشور استفادهٔ نظامی نماید، از کودتاها حمایت نموده هرکسی را که بخواهد دستگیر کند یا بکشد، بدون اینکه به مرجعی جوابگو باشد.

اگر امریکا واقعا قصد امضای چنین اعلامیه ای را با افغانستان داشته باشد، لازم است تا دولت افغانستان در این مورد با دقت و هوشیاری تصمیم بگیرد. در قدم نخست باید این نکته را در نظر گرفت که امضای چنین اعلامیه ها بیشتر به نفع کشورهای قدرتمند است بدون اینکه الزامی را برای آنان در قبال داشته باشد اما کشور ضعیف مجبور است مطابق به میل کشور قدرتمند عمل نماید. چنین اعلامیهٔ استراتژیک می تواند فقط دست امریکا را برای مداخلهٔ طولانی مدت در افغانستان باز بگذارد که نه تنها نفعی برای افغانستان نخواهد داشت بلکه می تواند زیان های جبران ناپذیری را نیز برای این ملت به دنبال داشته باشد.

آزادی هدیهٔ الهی و حق طبیعی...

در بعضی مسایل آنقدر چسپیده ایم که اصلاً خود کسانی که از آنجا این پیام را گرفته اند این قدر به این موضوعات نچسپیده اند.

در کشور های مغرب زمین می بینیم زمانی که بانک ها نسبت بحران اقتصادی رو به سقوط می شود، دولت خودش مستقیماً کمک می کند تا از سقوط بانک های مهم جلوگیری نماید. آنجاها نظام بازار آزاد است، اما در افغانستان نباید به بهانهٔ بازار آزاد برای دیگران حق داد، تا نرخ را در بازار در دست داشته باشند.

شهروندان می گویند در دیگر کشورهای اسلامی به خاطر ماه مبارک رمضان نرخ ها کنترل و به افتخار این ماه پایین می آید، اما در افغانستان نه تنها کنترل نمی شود بلکه، نرخ ها بلند می رود. دولت باید جلو این کار را بگیرد و یک اقتصاد مختلط را به میان بیاورد. مشکل شهروندان را نادیده نگیریم در غیرآن صورت مشکلات زیاد و زیادتر شده می رود.

چیز دیگری به اصحاب مطبوعات می گویم این که، در ماه مبارک رمضان رسانه باید در نشرات خود، اخلاق سوزی و اخلاق کشی نکنند و مخالف ارزش های دینی نشرات نداشته باشند. مسوولیت وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ است که با مسایل بد اخلاقی در رسانه ها قاطعانه برخورد کند.

چیزی دیگری را که به آن اشاره می کنم این که تهمت زیادی در سطح مطبوعات بین المللی متوجه مسلمانان بود. وآن این که، تروریزم تنها درکشورهای مسلمان و توسط مسلمانان به میان آمده است، اما حوادث ناگواری که در کشور صلحدوست ناروی رخ داد، دیده شد توسط یک مسیحی افراطی یک جنایت بسیار خطر ناک صورت گرفت. درحالی که این جنایت را تقبیح می کنم. این حرفی را که رئیس جمهور امریکا گفت تأیید می نمایم که مردم بفهمند تروریزم به ادیان ارتباط ندارد. تنها تروریزم به ملت های مسلمان مربوط نیست، در هرجا تروریست است و پیروان ادیان دیگر نیز تروریست می شوند و خواهند شد.

پیام من به طالبان این است که، از حملات دست بکشند. بر اساس فتواهای مفتی های جاهل، که گویا با انجام عمل انتحار به بهشت می روند، این راه رفتن به بهشت نیست، بلکه دقیقاً راه رفتن به دوزخ است. زیرا خداوند ج می فرماید، (ترجمه): « از اینرو بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، کسی دیگر را نه به قصاص قتل کسی یا ارتکاب فسادی بر روی زمین بکُشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد و هر کسی که به او حیات بخشد چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده است.»

یا ارتکاب فسادی بروی زمین بکشد چنان است که همه مردم را کشته باشد و هرکس که به او حیات بخشد چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده است."

خواست ما از طالب ها این است که، نه به خود ونه به حلقات مختلف اجازه بدهند، این جنایت ها ادامه یابد. ما باید دست به دست همدیگر داده به صلح و آشتی روی بیاوریم و با این روحیه کشور خود را بسازیم و استقلال سیاسی خود را مکمل بسازیم.

اقول قولی هذا استغفرالله لی و لکم و لسایرالمسلمین

روژه د صبر او خواخوږۍ پیغام



د اسلام سپیڅلی دین د یو داسې هر اړخیز نظام نوم دی چې د انساني ژوند په ټولو ابعادو کې لاربښوونې لري او ددې دین هر حکم او عبادتي عمل د ځانګړو حکمتونو او فلسفو لرونکې دي؛ لکه څرنګه چې لمونځ د اسلام د یو مهم بنیادي رکن په توګه د بنده د الله تعالی سره د اړیکو ساتلو او راز او نیاز قایمولو لپاره یو غوره عمل دی چې په انسان کې د بندګۍ روحیه پیاوړې کوي او د انسان د خپل خالق په وړاندې د عاجزۍ او ناتوانۍ څرګندولو غوره مظهر او تربیتي کورس دی. نو روژه هم د اسلام د یو بل بنیادي رکن په توګه د عبادت او بندګۍ هغه تربیتي کورس دی چې له یوې خوا پکې د سهار له سپیده داغ څخه تر ماښامه د کایناتو د خالق په حکم بندګان له خوراك، څښاك او په روا توګه له خپلې جنسي غریزې پوره کولو څخه خانونه ساتي، څو د الهي حکم په پوره کولو او پیروۍ سره د هغو ثوابونو او نعمتونو وړ وګرځي چې د کایناتو خالق ذات ورته ټاکلي دي؛ لکه جنت ته د ریان دروازې له لیارې ننوتل چې د روژه نیوونکو لپاره ځانګړې ده او د روژه ماتې په مهال د خوند اخستلو د خوښۍ په څیر د الله جل جلاله سره د ملاقات کولو لذت او خوښۍ او د الله جل جلاله له لخوا پخپله د اجر ورکولو وعده (چې روژه د الله لپاره ده نو الله جل جلاله به پخپله ورته بدله ورکوي) او داسې نور.

او له بلې خوا روژه هغه تربیتي کورس دی چې مسلمانان پکې د صبر، مقاومت او خواخوږۍ لوړ درسونه زده کوي؛ څکه د روژې په نیولو سره په مسلمان کې د صبر ماده پیاوړې کېږي او له سهار تر ماښامه پورې له هغو رواشیانو څخه په ځان زغورلو سره (چې په نورو وختونو کې ورته روا دي) مسلمان د صبر او زغم یوه عملي ازموینه ورکوي او پدې سره په مسلمان کې د سختیو سره د مقاومت تجربه حاصلېږي چې د ژوند په سختو شیبو او مشکلاتو کې ورڅخه کار اخستل کېږي او هم د روژې په نیولو سره مسلمان د هغو غریبو او بې وسو انسانانو له حالت څخه خبرېږي چې د ژوند له نعمتونو او خوراکي توکو او غذاګانو څخه برخمن ندي او د خپلو بدو اقتصادي حالتونو لامله د ژوند له سختیو او کړاوونو، ولږو او تنګلاسیو سره مخ دي او د ژوند په نعمتونو کې یې برخه کمه یا نشته دی. نو کله چې یو مسلمان روژه ونیسي او د روژې په دوران کې د هر ډول غذا ګانو او خوراکي نعمتونو څخه د برخمن کیدو سره سره هم ځان تر ماښامه پورې په نه خوراك او نه څښاك سره پابند کړي، دغه وخت د هغو نادارو او بې وزلو له حالت څخه هم خبریدلای شي چې هغوی د ژوند له نعمتونو څخه لیرې دي او پریمانه خوراکي توکي او وسایل نلري.

نو څکه د روژې میاشتې ته د ټولنیز پیوستون، همدردۍ او خواخوږۍ میاشت ویلې کېږي چې پکې مسلمانان د غریبو او بې وزلو مسلمانانو له حالت څخه خبرېږي.

د اسلام د دین څخه دمخه نورو امتونو روژې لرلې او په هر آسماني دین کې دغه عبادت شتون لرلو او په ډېرو غیر اسماني ادیانو کې هم د روژې فریضه وه او شته خو د اسلام د سپیڅلي دین روژه یو داسې عبادت دی چې د پورته یادو شوو ګټو سربیره په مسلمانانو کې د وروروولۍ، خواخوږۍ، مساوات او برابرۍ عملي مظهر هم دی؛ د اسلام څخه د مخه ادیانو کې په ځینو کې روژه یوازې په ځانګړې طبقه لکه پیشوا طبقه باندې فرض وه او په ځینو نورو کې به په ګناهګارانو باندې وه. خو په اسلام کې روژه په هر عاقل، بالغ او روغ انسان باندې یو فرض عمل دی که هغه بډای وي او که غریب، پاچاوي او که ګدا. نو څکه روژه د ټولنې د افرادو ترمینځه د مساوات او برابرۍ یو عملي کورس هم دی چې په پاچا او ګدا، شتمنو او بې وزلو ټولو باندې یو شان فرض ده.

البته د انساني طبیعت او فطرت له مخې هغه ناروغان ورڅخه معاف دي چې د نیولو توان یې نلري چې دغه وګړي به یې ـ که ناروغان وو ـ د روغتیا په وخت کې قضاء راوړي او که د ډیر عمر خاوندان وو ـ چې د نیولو وس یې نه لرلو ـ نو بیا به یې فدیه ورکوي.

زمونږ خوږیدلی ولس چې د دریو لسیزو په دوران کې د ژوند له سختو شرایطو سره مخ شو او لاډیرې وګړي مو اوس هم د ژوند له نعمتونو څخه برخمن ندي، باید چې په روژه کې د روژې د آدابو په خپلولو سره زمونږ د ټولنې شتمن او بډای خلك د بې وزلانو له حالت څخه ځانونه خبر کړي او د روژې ستره فلسفه وپیژني. د روژې له برکتونو څخه خوند واخلي، له ګناهونو او ناروا عملونو څخه ځانونه وژغوري او د روژې په دوران کې له دروغ ویلو، بښکنځلو، غیبت او نورو ناروا کړنو او وینا ګانو څخه د ځانونو په ژغورلو سره د روژې له فیوضاتو او برکتونو څخه ځانونه برخمن کړي.

د افغانانو بې وسي او ...

یوې امیدوارې میرمنې په شمول درې تنه شهیدان کیږي. او د ارزګان ولایت د دهراوود له پیښې راهیسې (چې په رښا ورځ یې پکې زمونږ په لسګونو هیوادوال د واده په مراسمو کې وژلي وو) تر دا مهال په سلګونو او زرګونو داسې پیښې تکرار شوې او په افسوس څرګندولو او معذرت غوښتلو سره یې قصې هیرې شوې او یا د چور او تالان، او له اداري فساد څخه ډکه واکمنی کې مو د شهید د سر قیمت یولك او د تیپي قیمت پنځوس زره افغانۍ د کرزي دولت د هغو ښامارانو چارواکو لخوا ټاکلي کیږي چې د هیواد ملی شتمنۍ او حکومتي ځمکې یې تالاترغۍ کړې؛ د شیرپور په څیر تاریخي ځایونه یې خپل ملکیتونه وګرځول پداسې حال کې چې د خپلې کورنۍ یو ورځنی لګښت یې یولك افغانۍ وي خو زمونږ د هر افغان شهید بیه ورسره یو لك او یا پنځوس زره افغانۍ وي، دا هم تاریخ په خپله غیږه کې ساتي؛ که د طالبانو تیرې چړې او وژونکې تاروته د افغانانو زړونه بوګنوي؛ او له افغانانو څخه یې خوبونه تروړلي دی نو د یو شمیر چارواکو دغه بې تفاوتۍ او د هغو لاسپوڅو ګوښه شوو او یا بر حالو چارواکو څرګندونې هم روانې جګړې ته نور تیل شیندي چې د سولې کلمه ورته د دوی د بخت دستورو د لویدلو لامل ښکاري.

نن چې افغان دولت د څه د پاسه څلویښتو دوستانو(؟) په منځ هم د خپلو مخالفینو مخه نشي نیولی او د وزیرانو، والیانو، قوماندانانو، ښاروالانو، د شوراګانو د رئیسانو او تر مشاورینو پورې مهمې څیرې یې د زنځیرې وژنو ټارګیټ ګرځي، پدې باید فکر وکړې چې دوی ولې محفوظ او خوندي ندي، آیا مخالفین پیاوړي شویدي او که دوی په خپل ولس کې نور باور له لاسه ورکړې چې لامله یې مخالفین په ډیره آسانه توګه دوی ته خانونه رسولی شي؟ که دا ومنو چې مخالفین د فشار لاندې راغلي دي او له همدې امله په خپلو سرونو لوبې کوي او د دولت په لوړ پوړو چارواکو باندې خپل ځانونه الوزوي، نو له دې څخه دا هم ثابتیږي چې مخالفین ایډیالوژیکي برلاسی لري او دولت په خپلو ارګانونو کې له دې څخه برخمن ندی: څکه دولت ندی توانیدلی چې په خپلو ارګانونو کې هغه افغانان جذب کړي چې د هغوی اسلامي او ملی هویت په ولس کې د اعتبار وړ اوسي، د دولت ډیری لوړ پوړي چارواکي او مشاورین داسې خلك دي چې د هغوی په دیانت او افغاني هویت ولس باور نلري او هم د وړتیا او استعدادونو خاوندان ندي: او ډیر ریښتوني او پوه افغانان د دولت په مهمو او لوړو څوکیو باندې د هغوې اوسیدل په دولت کې پخپله د کارکولو مانع ویشي؛ څکه ریښتوني او بادرده افغانان د لاسپوڅو او ناپوهه کسانو د لاسونو لاندې کار کول نه غواړي.

ما به خاطر عزت و شرف مردم خود...

به همین گونه پیشنهاد می نمایم که به موجودیت تشکیلات موازی خاتمه داده شود. مشکلات موجود بین ارگان های اجرائیوی، قضایی و عدلی رفع گردد.

به منظور جلب اعتماد و رشد اقتصادی مردم، به پروژه های زیربنایی و اشتغال زای انکشافی و تولیدی توجه جدی صورت گیرد. اجازه بدهید که چند مورد مشخص را به ارتباط چنین پروژه های پیشنهاد شدهٔ ولایت بلخ متذکر شوم:

۱- اعمار ساختمان دفاتر مقام ولسوالی ها، محاکم، سارنوالی ها، و بخش های عدلی و منازل رهایشی مسؤولان و کارمندان دولتی و لسوالی ها،

۲- انتقال زمین گمرک سابقه از وزارت محترم مالیه به قوماندانی امنیه و اعمار تعمیر مورد ضرورت آن

۳- اعمار محبس و توقیف خانهٔ ولایت بلخ

۴- تسریع و تکمیل کار ساختمان پوهنتون بلخ و پوهنحی های مربوط آن

۵- اعمار سردخانهٔ زراعتی و سایر تاسیسات جهت رشد، نگهداری و عرضهٔ به موقع محصولات زراعتی.

۶- اسفالت ۶۵ کیلومتر سرک ولسوالی کلدار و احداث پل بالای دریای آمو در بندر جدید تجارتی میان ولسوالی کلدار ولایت بلخ (افغانستان) و ناحیهٔ شهر توس ولایت ختلان (جمهوری تاجیکستان)

۷- اسفالت سرک ولسوالی های شورتپه، چهارکنت و مارمل

۸- تحکیم سواحل دریای آمو به منظور جلوگیری از تخریب اراضی و محلات مسکونی ولسوالی های کلدار و شورتپه

۹- ادامهٔ کار تمدید خط آهن مزارشریف به استقامت های کابل و شبرغان.

۱۰-

حاضرین ارجمند!

می خواهم به یک مسئلهٔ حیاتی برای آیندهٔ صلح و ثبات در کشورمان اشاره نمایم.

تجربهٔ تاریخی طی بیش از شصت سال گذشته نشان می دهد که ریشهٔ اصلی بسیاری از مداخلات، تنش ها، بی ثباتی و بحران در منطقه را عدم تشخیص مرز با کشور همسایهٔ جنوبی ما یعنی جمهوری اسلامی پاکستان تشکیل می دهد، بنا بر اقتضای زمان، ما جداً خواستار آن هستیم که رهبری محترم دولت افغانستان، جامعهٔ جهانی، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، متصدیان کنوانسیون حل منازعات بین الدول ملل متحد، ناتو و کشورهای دوست، به غایله و سریال بی سر انجام و خونین سرحد و خط دیورند پایان دهند و نگذارند که مردم مظلوم و جغرافیای کنونی افغانستان بازهم قربانی این «حفرهٔ سیاه» استعماری گردند!

دوستان گرامی!

در فرجام به طور خاص از مساعی عالیقدر محترم و دانشمند گرامی دکتور اشرف غنی احمدزی رئیس کمیسیون تنظیم انتقال مسؤولیت های امنیتی، جناب فراهی رئیس عمومی ادارهٔ مستقل ارگان های محلی و سایر وزرای محترم که امور مربوط را به وجه خوبی سازماندهی و انتظام بخشیده اند، قدردانی و سپاس نمایم و همچنان از همه همکاران و دوستان بین المللی ابراز امتنان نموده برای شان آرزوی موفقیت می نمایم.

ادامهٔ سرمقاله...

سپرده می شود درحالیکه تا هنوز تشکیل پولیس محلی به ما داده نشده است و خبری از آن نیست.

همانطوری که جهت محو کشت کوکنار، ولایاتی که در این عرصه به درجهٔ صفر تقرب می کردند، دولت یک مقدار پول را جهت امور بازسازی تخصیص می داد، در برنامهٔ انتقال مسوولیت های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای داخلی نیز تأدیهٔ پول به منظور بازسازی در مناطقی که این پروسه تطبیق می شود، در نظر گرفته شده است.

جمعیت اسلامی افغانستان درحالی که از واگذاری تأمین امنیت به نیروهای امنیتی کشور استقبال می کند و این راهکار را برگشت ناپذیر و به فال نیک می گیرد، قبول مسوولیت در تمام عرصه ها به خصوص بخش امنیتی و دفاعی را از وجایب فرد فرد شهروندان و نیروهای امنیتی و دفاعی کشور می داند. و امیدوار است که، افغانستان دارای نیروی دفاعی و امنیتی قوی و متکی به خود شود و حافظ تمامیت ارضی باشند. از نیروهای خارجی که در سخت ترین شرایط به دفاع از کشور و مردم ما شتافتند و تلفات و خساراتی را متقبل شدند تا مردم ما در آرامش و رفاه بسر برند، ابراز سپاس می نماییم. به امید روزی که در کشورما صلح تحکیم، امنیت و ثبات تأمین و شهروندان ما در رفاه و آرامش به سر برند.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ هفدهم ۸ اسد ۱۳۹۰ ۲۸ شعبان المعظم ۱٤۳۲ - 30 July 2011

شفیق

د افغانانو بې وسي او ....!

افغـان ولـس د څـه د پاسـه دريـو لـسيزو راهيـسې د اور پـه بټيـو سـوزيږي. هـره اونـى مـو چيـرې كلـي او ولـسونه د بهرنيـو ځواكونـو لخـوا بمباريږي او چيـرې مـو بيـا ځوانـان او مـشران پـه يـو او بـل نـوم د خپلـو افغانـانو پـه لاسـونو وژل كيـږي، د نـړۍ جگـړه مـو پـه خپلـو لاسـونو خپـل كورتـه راوسـتې او هـر لـوری د بـل افغـان لـورې پـه وژل كيـدو او تبـاه كيـدو خـوښ گرځـي؛ د جگـړې هـر لـورې د بـل لـورې د تبـاه كيـدو او لـه مينځـه وړلـو لپـاره د پرديـو دوسـتى منلـى شـي خـو پـه خپلـو مينځونـو كـې د روغـې اراده پكـې نـه راتـوكيږي. آخـر ترڅـو بـه افغانـان پـه خپلـو كې سره خوري؟ او د يو بل د وژل كيدو پسې به يې راخستې وي؟!

كـه چيـرې پـه زور كلـي كيـدلې او ولـسونه ايلـې كيـداې شـواې نـو افغـان ولـس بـه د پخـواني شـوروي اتحـاد د هـوس ښـكار شـوی واې او گرمـې اوبـه بـه د پخـواني شـوروي ملكيـت گرځيـدلی واې او يـا بـه انگليـسانو او امريكايـانو د نړيوال سـوداگريز مركـز د ودانـۍ د دراماتيكي غورځيـدنې او نړيـدنې پـه بـدل كـې نـن افغانـستان لـه خـاورو سـره هـوار كـړي او افغانـان بـه يـې خپلـې ارادې تـه تـسليم كـړي واې.

خو حقيقت دادی چې افغانان هيڅوك هم پـه زور نـه شي ايلی كـولی او دا حقيقت بايـد د نـورو پـر ځـاې پخپلـه افغانـان ښـه درك كـړي؛ ځكـه دوي خپـل تـاريخ او هويـت ښـه پيژنـې او هـر چـا چـې د پرديـو لاس نيـولی او د هغـوی پـه حكـم او اشـاره يـې پاليـسی غـوره كـړي دي، دهغه نوم د تاريخ په پاڼو كې ثبت شوی دی.

زمـونږ د هيـواد روانـه جگـړه او دوره هـم د سـدوزيو د وروسـتيو واكمنـانو دورو تـه ورتـه دوره گرځيـدلې ده چـې خپلـه بدنـه يـې نـوره لـه لاسـه وركـړې ده او لا يـې وركـوي. هـسې خـو پـه نامـه واكمنـي شـتون لـري خـو پـه حقيقـت كـې پـردي او ځـو لاسـپوځي لاسـونه دي چـې ټـول افغانـستان يـې يرغمـال كـړي او افغانـان يـې د ويرونـو او مـاتمونو پـه ټغرونـو كـښينولي دي؛ كـه چيـرې پرديـو او زمـونږ ازلـي دښـمنانو زمـونږ پـه درد درديـدلی او پـه ريښتوني توگـه يـې لـه سـيمې څخـه د جگړې ټغرټولـولی نـو هـره اونـۍ بـه كلـه پـه شـمال او كلـه پـه جنـوب او كلـه پـه ختـيځ او كلـه هـم پـه لويـديځ كـې د دوی پـه ړنـدو بمبـاريو خمـونږ هيوادوال نـه شـهيدان كيـدل؛ دا چـې كلـه مـو پـه خوسـت كـې هيوادوال وژنـې او د يـوې كـورنۍ اتـه غـړي پـه ښـبه كيـږي او كلـه پـه كنړ كـې؛ چـې نهـه تنـه عـام وگـړي هيوادوال مـو شـهيدان كيـږي او كلـه هـم بيـا پـه كاپيـسا كـې يـوازې د مـوټر د نـه ودريـدلو پـه بهانـه موټر كې سورې سورلۍ پـه ښبه كيږي او د

۷مخ

نذرالله عنایت

مجلس و یا فریاد بی پاسخ

پس از یک دورهٔ خاموشی بـر سـر قـضایای امنیتـی بـار دیگـر تـنش هـا میـان قـوه هـای سـه گانـهٔ کـشور بـالا گرفتـه اسـت. لـوی سـارنوالی در اظهارات اخیرش گفته است، کسانی کـه بـه حکـم محکمـهٔ خـاص سِـمت هـای خـود را در مجلـس از دسـت داده انـد، نبایـد بـا مقامـات بیرونـی ملاقات نمایند. رحمت الله نظـری معـاون لـوی سـارنوالی گفتـه اسـت کـه اسناد و شـواهدی در دسـت دارد کـه اسـتیفن دیمـستورا، در دیـدار بـا ۶۲ تن از اعضای حـذف شـده، از سـوی دادگـاه ویِژه، بـه آنـان گفتـه اسـت که هیچ کسی نمی تواند آنان را از عضویت در مجلس محروم سازد.

اما شماری از اعـضای مجلـس نماینـدگان در واکـنش بـه ادعـای آقـای نظـری گفتـه انـد کـه « لـوی سـارنوالی از ابتـدا تـا بـه کنـون در برابـر مجلس مغرضانه برخورد نموده است.»

آنان تصریح کرده اند که هیچگونـه دیـداری بـا آقـای دیمـستورا نداشـته اند. احمد بهزاد معـاون دوم مجلـس نماینـدگان گفتـه اسـت، بـا آن کـه از دیدار اعضای مجلـس بـا مقامـات خـارجی اطلاعـی نـدارد، امـا وی گفتـه اسـت کـه «لـوی سـارنوالی بـه دلایـل سـلب صـلاحیت از سـوی نمایندگان، دیگر مشروعیت امر و نهی کردن را ندارد.»

برای این کـه تـنش هـا میـان حکومـت و قـوهٔ مقننـه راه حـل بـه خـود بگیـرد، در تـازه تـرین تـلاش هـا، آقـای ابراهیمـی رئـیس مجلـس نمایندگان اواخر هفته گذشـته بـا رئـیس جمهـور دیـدار داشـت. امـا نتـایج این دیدار، به رسـانه هـا داده نـشد و آنچـه را کـه آگاهـان مطـرح کردنـد، ایـن کـه، در ایـن دیـدار طـرفین از موضـع اصـلی خـود عـدول نکـرده و جنجال به حالت اصلی خود باقی مانده است.

یک عـضو مجلـس نماینـدگان کـه از ذکـر نـامش معـذرت خواسـت، در تماس بـا مجاهـد گفـت: دیـدار عبـدالرووف ابراهیمـی رئـیس مجلـس بـا رئیس جمهور بی نتیجه پایان یافته است.

وی تـصریح کـرد، در صـورتی کـه رئـیس جمهـور بـه عنـوان شـخص اول نمـی خواهـد بحـران پایـان یابـد، بـن بـست ایجـاد شـده در مـسایل حکومتداری نتایج منفی در تمام عرصه های زندگی مردم دارد.

ایجاد تنش میان قوه هـای سـه گانـهٔ حکومـت باگذشـت هـر روز فاصـله ها میان مردم و نهادهای دولتی را اضافه تر ساخته است.

از گـشایش مجلـس نماینـدگان توسـط رئـیس جمهـور شـش مـاه و چهـار روز مـی گـذرد. امـا صـلاحیت هـای ایـن نهـاد مردمـی و اعمـال اقتدارش در تفـاهم بـا نهادهـای دولتـی روال طبیعـی بـه خـود نگرفتـه و در یک همگرایی سامان مند سیر چشمگیر نداشته است.

این نهاد طـی ایـن مـدت، بیـشترین وقـت خـود را در تقابـل بـا حکومـت و نهاد هـای عـدلی قـضایی صـرف نمـوده و اکنـون بـه یـک فریـاد بـی پاسـخ تبدیل شده است.

هرچنـد از دیـد برخـی نماینـدگان ایـن نهـاد دسـتاوردهای زیـادی دارد، امـا از آن جـایی کـه از سـوی قـوهٔ مجریـه بـه خواسـت هـای آنـان کـوچکترین توجـه نـشد، فراینـد بـازیگری در بـستر جامعـهٔ تقنینـی، بـا یـک سـری از تلاش ها همراه بـا بـیم و امیـد بـی نتیجـه و یـا هـم در مـواردی کـم رنـگ بازتاب یافته است.

پارلمـان هـا در هـر کـشور از جایگـاه خاصـی بـر خـور دار انـد و در حـل چـالش هـا نقـش بـه سـزایی را ایفـا مـی کننـد. امـا از آن جـایی کـه دور شانزدهم مجلـس نماینـدگان در ابتـدا بـر سـر مـسایل انتخـاب هیـأت اداری، خـود را بـه مـردم جنجـال آفـرین معرفـی کـرد و از سـوی حکومـت هـم متهم به تقلب در انتخابات شـناخته شـد، بـا گذشـت شـش مـاه و چهـار روز تا هنوز نتوانسته از دام های تنیده شده خود را نجات بدهد.

اکنون این مجلس به پژواکـی مـی ماندکـه در دل کـوه سـرداده مـی شـود و اصـلاً مخاطـب نـدارد. مجلـس از حکومـت انتظـار داشـت تـا وزرای سرپرست اعضای دادگاه عـالی و دیگـر مقامـات کـه مـی بایـستد رأی اعتمـاد کـسب کننـد غـرض اخـذ رأی معرفـی نمایـد، امـا در عمـل دیـده شـد کـه حکومت به این خواسته ها توجهی تا به کنون نداشته است.

در حـال حاضـر ایـن گونـه رویـارویی هـا امیـد را از شـهروندان سـلب نموده و به طرف یک آیندهٔ پرتنش وتاریک می نگرند.

مردم می گوینـد، خطـر را پـذیرفتیم و رأی دادیـم، امـا وقتـی مـی بینـیم با سرنوشت دموکراسـی و مـردم سـالاری بـازی هـای مغرضـانه صـورت مـی گیرد، دیگر هیچ امیدی برای فردای بهتر برای ما به نظر نمی رسد.

از سوی دیگر، آگاهـان سیاسـی بُـن بـست موجـود را یـک برنامـهٔ طراحـی شـده از سـوی حلقـات بـه خـصوصی در درون حکومـت مـی خواننـد و مـی گویند که این روند ادامه می باید، تا از پارلمان آلهٔ دست بسازند.

هفتـهٔ گذشـته مجلـس نماینـدگان بحـث روی طرحـی را آغـاز نمـود و درصـورت اجـرا شـدن آن، رئـیس و نـیم اعـضای دادگـاه عـالی محاکمـه خواهنـد شـد. امـا دادگـاه عـالی و دادسـتان کـل هـر نـوع فیـصله هـای مجلس را غیرقانونی می خواننـد و مـی گوینـد تـا زمـانی کـه حکـم محکمـهٔ اختصاصی تطبیق نشود، این نهاد از مشروعیت برخوردار نیست.

۸ تن از شهروندان سمنگان در تاجیکستان کشته شدند

❊ فیض ❊

فقر، بیکاری، عدم توجـهٔ دولـت بـه سرنوشـت شـهروندان کشور به خصوص جوانـان، باعـث مـی شـود تـا شـهروندان کـشور بـه مهـاجرت روی بیاورنـد، بـه منظـور کـار و بـه دسـت آوردن لقمـهٔ نـان دسـت بـه کارهـای شـاقه بزننـد. تعـدادی از شـهروندان ولایـت سـمنگان کـه از ناحیـهٔ خشک سالی و نبود کـار، بـا تجـاری عقـد قـرارداد بـستند و بـه خـاطر جمعـاوری بُتـه هـای هنـگ بـه کوهپایـه هـای کـولاب کـشور تاجیکـستان بـرده شـدند، بـا قبـول همـه خطراتـی کـه در کوهپایـه هـا متـصور اسـت در گرمـای تابـستان بـا ریختانـدن عـرق و زحمـات بـی حـد تـلاش داشتند، پول ناچیزی به دسـت آرنـد تـا بـه زنـدگی خـانوادهٔ شان سروسامان دهند، امـا در اثـر تهـاجم نیروهـای امنیتـی کشور تاجیکستان، تعـداد شـان فـراری و دسـتگیر و هـشت تن شـان جـان هـای شـیرین خـویش را از دسـت داده انـد. که روان شان را شاد می خواهیم.

آژانس خبـری پـژواک بـه نقـل از احمـد خـان سـمنگانی وکیـل سـابق ولایـت سـمنگان در ولـسی جرگـه نوشـته است که، این افـراد در قالـب یـک گـروپ ۴۵ نفـری، چنـد هفتـه پـیش بـا اسـتفاده از پاسـپورت هـای سـیاحتی بـه کـشور تاجیکـستان رفتـه بودنـد. بـه گفتـهٔ وی، نیروهـای امنیتی کـشور تاجیکـستان تعـدادی از ایـن افـراد را هنگـام جمـع آوری بتـهٔ هـای طبـی هنـگ در منطقـهٔ کـولاب تاجیکـستان دسـتگیر کـرده و هـشت تـن از آنهـا را بـه قتل رسانده اند.

آقـای سـمنگانی گفتـه اسـت کـه ایـن موضـوع را بـا ولسی جرگه نیـز مطـرح کـرده و از آنهـا خواسـته اسـت تـا ایـن موضـوع را بـه صـورت جـدی پیگیـری کننـد. رئـیس ولسی جرگه نیز وعـده داده تـا ایـن موضـوع را بـا سـفارت افغانـستان در تاجکـستان مطـرح کـرده و جزئیـات آنـرا بـه دست آورند.

حفـیظ الله باشـنده قریـهٔ گـل قـشلاق شـهر ایبـک، بـه پـژواک گفتـه اسـت کـه، عبدالـصمد بـرادر وی، همـراه بـا ۴۴ تـن از باشـندگان دیگـر ایـن ولایـت، ۴۵ روز قبـل؛ توسـط حـاجی فقیـر یکـتن از تـاجران ولایـت تخـار، بـا استفاده از پاسپورت هـای سـیاحتی بـه تاجیکـستان انتقـال شده بودنـد کـه بـرادر وی و همراهـانش را بـه خـاطر کـار بـه تاجیکـستان انتقـال نمـوده بـود و آنهـا در منطقـهٔ کـولاب تاجیکـستان، بتـه هـای هنـگ را در بـدل پـول برای تاجر یاد شده جمع آوری می نمودند.

بـه گفتـهٔ حفـیظ الله بـه تـاریخ اول مـاه اسـد، نیروهـای تـاجیکی، افغـان هـای مـذکور را در جریـان جمـع آوری هنـگ از منطقـهٔ شـورآبک کـولاب آن کـشور دسـتگیر نموده و ۸ تن از آن ها را بـه شـمول بـرادر وی بـه ضـرب گلولـه بـه قتـل رسـانیده انـد. بنـا بـه گفتـهٔ موصـوف، ۱۲ افغان دیگر با قرار از محـل حادثـه، بـه بدخـشان و از آنجـا به ولایت تخار برگـشته انـد. گفتـه مـی شـود کـه اجـساد کـشته شـدگان بـه سـفارت افغانـستان در تاجیکـستان تسلیم داد ه شـده اسـت. امـا، مقامـات ولایـت سـمنگان از ایـن حادثـه اظهـار بـی خبـری نمـوده اسـت. تاجیکـستان این افراد را به قاچاقچیان مواد مخدر متهم کرده است.

گفتـه مـی شـود، مقتـولین دارای سـنین ۲۰ الـی ۳۰ و باشندگان قریه هـای توتـه، گـل قـشلاق، مرکـز سـمنگان و اورلمش ولسوالی حـضرت سـلطان انـد. ایـن حادثـه بـه تاریخ اول اسد سال جاری رخ داده است.